

تهدیدات هویتی انقلاب اسلامی از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران

ابوذر گوهری مقدم^۱
سیدعلی لطیفی^۲

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی و برپایی نظام مردم‌سالار دینی در «عصر اطلاعات»، جهانیان را به دلیل اتکاء به قدرت نرم‌افزارانه آن به شگفتی واداشت؛ از این رو، در این پژوهش به دنبال آنیم تا روشن سازیم که چه تهدیدات هویتی ساختار حقیقی جمهوری اسلامی ایران را با خطر نفوذ و رخنه فرهنگ بیگانه و یا سلطه آنها مواجه می‌سازد؟ و کدامین مؤلفه هویتی از تأثیرگذاری محوری در تهدید ساخت حقیقی جمهوری اسلامی برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت، میانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، بر مؤلفه‌هایی مانند اسلام‌گرایی شیعی، ملی‌گرایی ایرانی، عدم وابستگی و استکبارستیزی و انقلابی‌گرایی استوار است که شکل‌دهنده ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و موفقیت‌های زیادی را در داخل و خارج به دنبال داشته‌اند؛ اما در برخی موارد، به دلیل عدم ایتناء سیاست‌گذاری‌های کلان بر آن مؤلفه‌ها، و نگاه تک بعدی و غیرسامانمند بدین مؤلفه‌ها که حول دال مرکزی اسلام‌گرایی شیعی تعریف می‌گردند به عامل ضد خویش و تهدیدزا تبدیل می‌شوند. ما در این پژوهش بر اساس چارچوب نظری مبتنی بر نظریه تهدید در حوزه امنیت، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تفسیری مبتنی بر دیدگاه و نظرات حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبران جمهوری اسلامی به احصاء این‌گونه تهدیدات بالقوه و بالفعل مبتنی بر منابع نرم‌افزارانه می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، قدرت نرم، قدرت سخت، تهدید نرم، اسلام‌گرایی شیعی، حضرت امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری.

Email: agohari@gmail.com

۱- هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه

امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول)

Email: alavi.1444@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۲

مقدمه

در دورانی که متفکران و فیلسوفان اجتماعی خبر از آغاز دوران جدیدی به نام «عصر اطلاعات» و گسترش مناسبات عقلانی مبتنی بر مادی‌گرایی را نوید می‌داد، سلسله تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، انقلابی شکوهمند در ایران جهانیان را به شگفتی واداشت؛ چرا که با پیروزی این حرکت عظیم انقلابی، قدرت دینی و معنوی نقشی تعیین‌کننده در معادلات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های جهانی یافت و ارزش‌های دینی و معنوی و فرهنگی از تأثیرگذاری عمده‌ای در مناسبات روابط بین‌الملل و نیز تصمیمات جهانی و منطقه‌ای برخوردار شد. در واقع، انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به‌شمار آورد. در حقیقت قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت و کسب اعتبار نزد افکار عمومی جهان است که با بکارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، پیشینه درخشان، آرمان یا ارزش‌های انسانی به‌صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین، قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است که به نسبت سایر ابزارهای سیاست خارجی، بیشترین تأثیرپذیری را از مؤلفه‌های هویت ملی دارد (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی چهره‌ای جدید از قدرت را در کنار قدرت سخت ارائه داد؛ به‌گونه‌ای که مطالعات قدرت نرم کم‌کم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پایان جنگ سرد از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار گردید. از آنجا که تفاوت ساختار جمهوری اسلامی با دیگر نظام‌های دنیا بر اساس تفاوت در ابتناء آن بر منابع نرم‌افزارانه قدرت بود، لذا جنس تهدیدات نیز در تناسب با آن از جنس نرم‌افزارانه خواهد بود.

اصولاً هر جامعه و نظامی، تهدیدات خاص خود را دارد؛ چنان‌که منابع قدرت و نحوه فعال‌سازی آنها نزد بازیگران مختلف، یکسان نیست. به عبارت دیگر، هر واحد سیاسی به اقتضای ویژگی‌ها، شرایط، امکانات و اهدافی که دارد، دارای فرصت‌ها و تهدیداتی است که نسبت با همان واحد معنا و مفهوم می‌یابند. بنابراین اسلامی شدن یک جامعه، در عین حال که مهمترین نقطه قوت آن به‌شمار می‌آید، می‌تواند در صورت کم‌توجهی یا بی‌توجهی مردم و مجموعه دست‌اندرکاران اجرایی، تهدیداتی نیز در پی داشته باشد.

از این رو، در این پژوهش بدنبال شناخت این مسئله هستیم که چه تهدیدات هویتی ساختار حقیقی جمهوری اسلامی ایران را با خطر نفوذ و رخنه فرهنگ بیگانه و یا سلطه آنها مواجه ساخته است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت، مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، بر مؤلفه‌هایی مانند اسلام‌گرایی شیعی، ملی‌گرایی ایرانی، عدم تعهدگرایی و انقلابی‌گرایی استوار است که شکل‌دهنده ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و موفقیت‌های زیادی را در داخل و خارج به دنبال داشته‌اند؛ اما در برخی موارد، به دلیل عدم ابتناء سیاست‌گذاری‌های کلان بر آن مؤلفه‌ها و نگاه تک‌بعدی و غیر سامانمند بدین مؤلفه‌ها که حول دال مرکزی اسلام‌گرایی شیعی تعریف می‌گردند به عامل ضد خویش و تهدیدزا تبدیل می‌شوند. ما در این پژوهش بر اساس چارچوب نظری مبتنی بر نظریه تهدید در حوزه امنیت، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و

روش تفسیری مبتنی بر دیدگاه و نظرات حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبران جمهوری اسلامی به احصاء اینگونه تهدیدات بالقوه و بالفعل مبتنی بر منابع نرم‌افزارانه می‌پردازیم.

چارچوب نظری و مفهومی

«تهدید» واژه‌ای حساس و با مرزهای معنایی مشخص است که عدم توجه بدان می‌تواند به توسعه‌بخشی معنایی آن و در نتیجه زوال واقعیت تهدید منجر گردد؛ چنان‌که «دانیل دودنی» به درستی اظهار داشته: «اگر قرار باشد هر امر نامطلوبی را به مثابه تهدیدی برای امنیت تلقی کنیم... در آن صورت بزودی به تصویری از تهدید خواهیم رسید که دیگر هیچ کاربرد و معنای مفیدی نخواهد داشت» (افتخاری، ۱۳۸۵: ۳۳).

از آنجا که دولت صرفاً مجموعه‌ای از افراد یا عناوین خاص نیست بلکه دارای یک ماهیت «عمل‌کننده»^۱ است لذا دولت به‌سان یک نظام دارای حیثیت مادی و حیثیت معنوی است. حیثیت مادی این دولت، در سرزمین جغرافیایی، نژاد، زبان و امثال این امور عینی است، لکن حیثیت معنوی نظام در قانون اساسی و در «تفکر حاکم» بر آن است. چیزی که از آن تعبیر به جهان‌پدیداری (جهان‌بینی) می‌گردد. بالتبع چنین ساختاری، تهدیدات آن نیز از حیث جنسیتی می‌تواند در دو فضای متفاوت تعریف شود که ما آنها را به دو دسته «مادی» یا «معنوی» تقسیم می‌سازیم (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۴۰). این تقسیم‌بندی که ریشه در نوع جهان‌پدیداری (جهان‌بینی) بازیگران شکل می‌گیرد به شرح ذیل از یکدیگر تمییز داده می‌شود:

جهان‌پدیداری تک بعدی (ماده‌گرا)

ویژگی بارز این‌گونه جهان‌پدیداری‌ها، انحصار دوره حیات انسان به زندگی دنیوی است که بر اصالت شهود در مقابل جهان غیب استوار است. نتیجه چنین نگرشی محوریت منافع دنیوی در تصمیم‌گیری‌ها (در سطوح مختلف فردی تا جمعی و فراملی) می‌باشد. بنابراین، این تلقی که «فرصت‌ها» و «تهدیدها» همچون سایر مفاهیم مؤثر در تصمیم‌گیری هویتی «ماده‌انگارانه» دارند، اصلی مقبول و اولیه به‌شمار می‌رود.

البته باید توجه داشت که نگرش‌های ماده‌انگار، صرفاً نافی وجود ملاحظات معنوی که مربوط به جهان غیب می‌شوند هستند و این امر بر ملاحظات نرم‌افزارانه شمولیت ندارد. دلیل این امر نیز آن است که مباحث روان‌شناختی احساسی و یا عاطفی از این منظر همچنان دارای‌شان مادی و تأثیرات عینی در زندگی انسان می‌باشند. لذا مشاهده می‌شود که در مطالعات امنیتی ابعاد نرم‌افزاری به‌رغم آنکه از ویژگی عینیت همچون ابعاد مادی برخوردار نیستند، اما مورد توجه بوده و سنجش و مدیریت این دسته از تهدیدات ضروری و معتبر می‌باشد (ربیعی، ۱۳۸۳).

از آنجا که جهان‌پدیده‌ها، روش‌شناسی‌ها را هم مشخص می‌سازند، لذا نتیجه حاکمیت چارچوب مادی از حیث روش‌شناسی، تولید نظریه‌های عرفی‌ای است که در بهترین حالت قادر به درک روابط صوری بین پدیده‌های مادی است.

جهان‌پدیده‌های دو بعدی

در این‌گونه از جهان‌پدیده‌ها، وجود جهانی در ورای جهان شهود، مورد پذیرش است که دارای کارکردهای عینی و ذهنی می‌باشد. به عبارت دیگر، ایمان به آن جهان در بینش و روش بازیگر تأثیرگذار است. بر این اساس، تصمیمات و رفتارهای بازیگران صرفاً در حد جهان ماده معنا و مفهوم نمی‌یابد و انعکاسی در آن جهان نیز برای آنها متصور است. از این منظر می‌توان وجود تهدیداتی را تصور نمود که منافع و اصول معنوی بازیگر را تهدید می‌نمایند. به این معنا که ممکن است منافع مادی‌ای را ظاهراً برای او در پی داشته باشد، اما از آن حیث که سلامت معنوی بازیگر را در جهان غیب مخدوش می‌نماید، مردود شمرده شده و تهدید ارزیابی می‌شوند.

مطابق کلام آنکه مطابق با جهان‌پدیده‌ها بالا می‌توان تهدیدات را با توجه به جنس‌شان به دو دسته کلی به‌صورت زیر تقسیم کرد:

الف. تهدیدات مادی که مرجع آنها را منافع قابل درک در سطح جهان ماده - مشتمل بر ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اش (روان‌شناسی، احساس) - شکل می‌دهد.

ب. تهدیدات معنوی که مرجع آنها را منافع و اصول مرتبط با حیات طبیعه بازیگر (که اعم از جهان ماده و ناظر بر جهان غیب است که پرتو آن بر جهان ماده نیز افکنده شده) تشکیل می‌دهد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۲۳-۲۲۵).

از آنجا که الصاق برچسب امنیتی بر کلیه‌ی تهدیدات از حیث منطقی توجیهی ندارد و برخی از بلایای طبیعی و غیر آن در عین تهدید بودن ضرورتاً امنیتی نیست لذا، درک ماهیت تهدید در فضای امنیتی بیش از هر چیزی با تلقی بازیگر از امنیت مرتبط می‌باشد. در این چشم‌انداز تهدید به مثابه یک «پدیده امنیتی» به رفتار یا مجموعه‌ای از اقدامات که برای زندگی یک بازیگر ایجاد خطر نموده و دامنه‌گزینه‌های انتخابی او را محدود می‌کند اطلاق می‌گردد.

در جهان امروز، به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، تأکید صرف بر قدرت سخت، موفقیت‌پایداری را در پی نداشته و نخواهد داشت. بر این اساس قوی‌ترین کشورها همواره قوی‌ترین باقی نخواهند ماند، مگر آنکه به ساخت حقیقی قدرت که همان جنبه نرم‌افزاری قدرت است اهمیت دهند. از این‌رو امروزه، تهدیدات از جنبه نظامی‌گری به سمت تهدیدات نرم سوق یافته است که هدف موردنظر خویش را نه سازه‌ها و کارگزاران نظامی بلکه عناصر غیرمادی قدرت همچون هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، ایدئولوژی‌ها قرار داده است. به همین خاطر، مهم‌ترین عنصر در کالبد شکافی تهدید، «تهدیدشونده» است.

از منظر نرم‌افزاری، مهم‌ترین شاخص برای تحلیل تهدید در این سطح، «موضوع تهدید» است. موضوع تهدید، بخش یا قسمتی از منافع تهدیدشونده را در برمی‌گیرد که از سوی تهدیدگر برای نیل به اهداف تعریف شده، مورد تهاجم قرار می‌گیرد.

موضوع تهدید از حیث ماهیت به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

الف. موضوعات هنجاری: جنبه‌ای ذهنی که بخشی از منافع بازیگر است که در ارتباط با هویت و ساخت حقیقی او تعریف می‌شوند.

ب. موضوعات کاربردی: جنبه‌ای عینی دارند و ناظر بر کارآمدی نظام سیاسی هستند.

تفاوت این دو در این است که در موضوعات کاربردی، به موضوعاتی چون مداخله، کارشکنی، اعمال فشار و در بالاترین حالت، تجاوز (جنگ) اشاره می‌کند که معمولاً ذیل عنوان تهدیدات سخت تفسیر می‌شوند؛ ولی موضوعات هنجاری، محور اصلی تهدیدات نرم به‌شمار می‌روند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۰). در این راستا، تهدیداتی که به‌جای تمامیت ارضی، مشروعیت یک واحد سیاسی، فرهنگ، هویت ملی، ارزش‌های ایدئولوژیک، هنجارهای عمومی، انسجام اجتماعی، وفاداری و غرور ملی را هدف قرار می‌دهند در زیرمجموعه تهدیدات نرم طبقه‌بندی می‌شود (باقری، ۱۳۸۸: ۵۲).

ویژگی‌های این نوع تهدید نرم بدین عبارت‌اند:

یک. خزنده بودن تهدید نرم: منظور از خزندگی تهدید نرم آن است که بازیگر مهاجم به‌صورت تدریجی و آرام، برنامه‌های خود را پیاده‌سازی می‌کند، زیرا یکی از اهداف تهاجم نرم، فرهنگ‌سازی در بافتار اقشار اجتماعی کشور هدف است و نهادینه‌سازی فرهنگ روندی زمان‌بر است. به همین دلیل هنگامی که یک تهدید نرم در جامعه نهادینه شود مهار آن در زمانی کوتاه امکان‌پذیر نیست.

دو. تکثر مولدهای نامنی: برعکس تهدیدهای سخت که مولد نامنی بیشتر دولت‌ها هستند؛ در شکل‌گیری تهدیدات نرم مراجع نامنی متکثر هستند به‌طوری‌که دولت‌ها، نهادهای فراملی، گروهک‌های تروریستی، سازمان‌های مردم‌نهاد، احزاب و گروه‌های فشار هرکدام به‌نحوی می‌توانند چالش‌هایی را برای استقرار نظم عمومی به‌وجود آورند.

سه. توجه به ابزار نرم: یکی از خطوط ممیزی جنگ نرم و سخت، استفاده از اسلحه در جنگ سخت است در حالی‌که در جنگ نرم نقش ابزارهایی مانند اینترنت، ماهواره، سینما، پیامک‌های متنی و تصویری، تلفن‌های همراه، شبکه‌های اجتماعی و برجسته‌تر است (جمال‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۴۵).

از آنجا که تهدید، مقوله‌ای زمینه‌وند^۱ به‌شمار می‌آید و شناخت مفهومی و مصداقی آن بدون توجه به ساخت اجتماعی جامعه هدف، اصولاً ممکن نیست، لذا لازم می‌آید تا اسناد بالادستی و حاکم بر جامعه ایران از جمله اندیشه و عمل رهبران جمهوری اسلامی ایران، بررسی و متناسب با آنها موضوع، تهدید ساخت

حقیقی انقلاب اسلامی بازخوانی و تحلیل شود. در این مقاله با بررسی نظرات و رویکردهای حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری به تبیین این مختصات پرداخته‌ایم.

مبانی هویت جمهوری اسلامی

سیاست در جمهوری اسلامی ایران به شدت تحت تأثیر سیاست هویتی^۱ است. سیاستی که به مجموعه‌ای از انگاره‌ها درباره جامعه سیاسی اشاره می‌کند که سیاست‌گذاران داخلی و خارجی از آن استفاده می‌کنند یا الهام می‌گیرند تا یک حس یکپارچگی و پیوستگی را در جهت مشروعیت دادن به اعتماد عمومی حول سیاست کشور ایجاد کنند. این سیاست هویتی می‌تواند از دو طریق به شکل‌بندی و نهادینه‌سازی فرهنگ سیاسی منجر شود: ۱. ممکن است در چارچوب‌شناختی جامعه درونی شود و گسترش یابد و ۲. از طریق تفسیر و تعبیر سیاست‌گذاران به‌عنوان واقعیت سیاسی در جامعه پذیرفته و توسط تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان پیگیری شود.

از آنجا که هنجارها و ساختارهای اجتماعی داخلی، انتخاب یک هویت و نقش خاص یک کشور را تعیین می‌کنند لذا ساختارهای اجتماعی و معنایی از طریق سازوکار سه‌گانه تصور یا تخیل، ارتباط یا مقید کردن، به هویت‌ها و منافع بازیگران و کشورها شکل می‌دهند.

هویت جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک نظام سیاسی تعیین یافته در قلمرو سرزمینی ایران و برخاسته از انقلاب اسلامی که در مسیر توسعه گام برمی‌دارد، می‌توان در چارچوب یک مربع هویتی تعریف و تعیین کرد. اسلامی، ایرانی، انقلابی و عدم وابستگی و استکبارستیزی که اضلاع چهارگانه مربع هویتی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام سیاسی را تشکیل می‌دهند. البته این عناصر در قوام بخشیدن به هویت جمهوری اسلامی وزن یکسانی ندارند. بی‌گمان اسلامی بودن در این عناصر چهارگانه دارای اهمیت فزاینده‌ای است به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد ایرانی، انقلابی و غیرمتعهد بودن در ذیل اسلامی بودن جای می‌گیرند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۵۱-۶۱).

۱. اسلام‌گرایی شیعی

مهم‌ترین ساختار فکری و عقیدتی که هویت ملی جمهوری اسلامی ایران را قوام می‌بخشد، اسلام‌گرایی شیعی است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، باعث پیدایش نظریه‌ای در نظریات عام انقلاب‌ها تحت عنوان «نظریه فرهنگی انقلاب‌ها» (شجاعیان، ۱۳۸۲) شد که به واقع تجلی همان قدرت نرم انقلاب ایران است که ریشه در هویت دینی و اسلامی دارد. همین امر باعث شده است که اخیراً در درون نظریات فرهنگی انقلاب، نظریه‌ای تحت عنوان «مذهب عامل انقلاب» جای خود را در بین نظریات انقلاب بازکند و کسانی از اندیشمندان داخلی و خارجی در تحلیل انقلاب‌ها این تئوری مذهب و ایدئولوژی را به‌عنوان مبانی نظری تحلیل خود قرار دهند (بوت، ۱۳۷۳: ۴۵۳-۴۵۴).

از این‌روست که اسلام‌گرایی مبتنی بر آموزه‌ها، تعالیم و دستورات قرائت شیعی از اسلام، مردم ایران را ملتی مسلمان می‌داند که مهم‌ترین منبع هویت و مرجع وفاداریشان اسلام و تشیع است که به وسیله رهبری حضرت امام خمینی(ره) توانست خشونت را در جریان انقلاب به حداقل برساند و گروه‌های مختلف را زیر چتر اسلام و با شعارهای ساده‌ای مانند «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» متحد کند (عنایت، ۱۳۷۷: ۵۱).

آنچه که ملت ایران را از دیگر ملت‌ها متمایز و مرز بین «خود» و «دیگر» را ترسیم می‌کند اسلام شیعی است. لذا در نظریه جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت‌فقیه که در جریان انقلاب اسلامی و با تأسیس جمهوری اسلامی ایران ارائه و اجرا شد، اساس نظم سیاسی در زمان غیبت ولایت‌فقیه است. ولایت‌فقیه‌ای که ابتدای مشروعیت و مقبولیت خود را بر رعایت ضوابط اسلامی و اتکال به آراء ملت مسلمان قرار داده است. از این‌رو، با وجود قرائت‌های آرمان‌گرایانه از نظریه سیاسی امام خمینی(ره) و نظام جمهوری اسلامی، باید متذکر این نکته شد که این نظم جدید در دوران معاصر مبتنی بر واقع‌گرایی اسلامی یا همان آرمان‌گرایان واقع‌بین تدوین گشته است. قرائتی که در آن به هویت «اسلام شیعی» در تکوین جمهوری اسلامی اولویت بخشیده و آن را در تخالف تعارض با «ایرانیت و ملیت ایرانی» نمی‌بیند.

۲. ملی‌گرایی ایرانی

این متغیر نیز نقش مهمی در روایت امن از رفتارها و اقدامات جمهوری اسلامی بازی می‌کند و در بسیاری از موارد بر نحوه تصمیم‌گیری کشور تأثیر مستقیم می‌گذارد. در کنار انواع قرائت‌های لیبرال، باستان‌گرا، استعمارستیز و نژادگرا، قرائتی که هویت ملی جمهوری اسلامی را شکل داده است، قرائت ملی‌گرایی دینی است که بر نقش و جایگاه دین اسلام و مذهب تشیع در تکوین و تشکیل ملت و هویت ملی ایران تأکید می‌کند. برخلاف تمام قرائت‌های مختلف از ملی‌گرایی، این نوع قرائت بر این اعتقاد است که بین ملیت و مذهب و بالتبع حاکمیت ملی و الهی تعارض جوهری و ذاتی وجود ندارد و فراتر از آن پیوند وثیقی بین ایرانیت و اسلامیت وجود دارد. در اندیشه امام و رهبری با وجود رسمیت‌بخشی به ملت به‌عنوان سطح تحلیل و واقعیت اجتماعی - سیاسی، از ملی‌گرایی به‌عنوان یک ایدئولوژی انتقاد می‌نمایند و هویت دینی را مهم‌تر از هویت منبعث از ملیت دانسته و آن را در چارچوب اسلام بازتعریف و بازتولید می‌کند. در دیدگاه امام «اسلامی بودن بیش از ایرانی بودن بین افراد ملت ایران روابط مستحکم برقرار کرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۵۰۸) «ما «ملیت» را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم ... ملت، ملت ایران است، برای ملت ایران هم، همه جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام است؛ نه اینکه همه‌اش ملیت و همه‌اش کُبریّت (۳)! ملیت، حدودش حدود اسلام است و اسلام هم تأیید می‌کند او را، ممالک اسلامی را باید حفظ کرد، دفاع از ممالک اسلامی جزء واجبات است، لکن نه اینکه ما اسلامش را کنار بگذاریم و بنشینیم فریاد ملیت بزنیم و (پان ایرانیسم)» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۱۲۳-۱۲۴).

این امر نشان می‌دهد که رهبران جمهوری اسلامی، ملت را به‌عنوان یک کل و یک واحد جمعی در نظام جدید بین‌الملل می‌پذیرند، اما پذیرش این واحدهای جمعی به معنای پذیرش نوعی ایدئولوژی مبتنی بر آنها

یعنی قوم‌گرایی، نژادگرایی، منطقه‌گرایی و ملی‌گرایی نیست؛ بلکه تنها از آن به‌عنوان یک شناسنامه و عامل شناخت می‌توان یاد کرد. این نوع نگرش متأثر از تفکر قرآنی است که در آن از واحدهای جمعی به‌عنوان عامل شناسایی آنها یاد می‌شود (فوزی، ۱۳۷۹: ۷۲). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الناس! اینا خلقناکم من ذکر و انثی و جعناکم شعوباً و قبائل لبتعارفوا اینا لکریمکم عن دال لهدلت قاکم اینا لله علی م‌خبی: ای مردم! بی تردید ما همه افراد نوع شما را از یک مرد وزن (آدم و حوا) آفریدیم و شما را قبیله‌ای بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر بشناسید مسلماً گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است» (حجرات/۱۳).

در این نوع ملی‌گرایی، «حاکمیت ملی» البته در طول حاکمیت الهی، به همراه «استقلال»، «آزادی عمل سیاسی»، «عدم مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران»، «آزادی» و «برابری» از ارزش‌ها و اصول بنیادی به شمار می‌رود.

۳. عدم وابستگی و استکبارستیزی

عدم وابستگی نوعی گفتمان و نظام معنایی سیاسی بین‌المللی است که ماهیتی ضد استعماری، ضد استکباری و ضد هژمونیک دارد. این ساختار فکری مخالف وضع و نظم سیاسی - اقتصادی بین‌المللی موجود بوده و در صدد اصلاح و تعدیل آن و رسیدن به نظم و وضع مطلوب برای تأمین منافع کشورهای در حال توسعه و جنوب است. مهم‌ترین اصول و اهداف عدم وابستگی یا موازنه عدمی عبارتند از: عدالت بین‌المللی، توسعه اقتصادی، برابری عملی کشورها، استقلال و آزادی عمل، عدم وابستگی به بلوک‌ها و قدرت‌های بزرگ، اصلاح، تعدیل یا تغییر قوانین، هنجارها و نهادهای بین‌المللی و ... است (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۷۱-۱۸۰). لذا با توجه به پیشینه تاریخی - فرهنگی ایران می‌توان گفت هویت ملی جمهوری اسلامی ایران شدیداً تحت تأثیر اصول و هنجارهای کشورهای در حال توسعه و اعضای جنبش عدم تعهد قرار داشته است. علاوه بر این عامل، عامل هنجارهای ملی و دینی از جمله اصل نه شرقی و نه غربی بیانگر جایگاه و نقش قوام‌گر این اندیشه در هویت ملی آن است.

از این رو، در اندیشه بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی، ضمن احترام به رعایت حقوق تمامی انسان‌ها و عدم دخالت در امور داخلی کشورها طبق حقوق بین‌الملل، دفاع از حق و عدالت‌جویی، مردم‌ستمدیده و مظلوم جهان را به‌عنوان وظیفه دولت اسلامی قلمداد می‌نماید. در نگاه آنان رسالت جمهوری اسلامی در دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح جهان تعریف می‌شود و طبق تصریح امام «ما طرفدار همه مظلومین عالم هستیم و ظلم‌ستیزی و دفاع از حق محدود به یک حیطه خاص جغرافیایی نمی‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۳۲).

۴. انقلابی‌گری

انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از عناصر هویتی ایران معاصر، در تعریف ساخت هویت چه در حوزه فردی و چه در حوزه جمعی جمهوری اسلامی نقش کلیدی و اساسی را ایفا می‌کند به‌گونه‌ای که بعد از گذشته بیش از

سه دهه از انقلاب اسلامی، ساختارهای سیاسی کشور هنوز از پسوند «انقلاب» استفاده می‌کنند و «انقلابی بودن» مهم‌ترین ارزش سیاسی است که مرز «خود» و «دگر» را ترسیم می‌کند. این اندیشه که در متن و مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز ظهور و تجلی یافته است، متأثر از فرهنگ شیعی اسلامی است. از مهم‌ترین عناصری که موجب انقلابی شدن فرهنگ سیاسی شیعه شده است باید از اصل امامت، انتظار، غیبت، اعتقاد به نامشروع بودن حکومت غیرمعصوم و غیر مأذون از امام معصوم، شهادت، تقیه، عدالت و اصل امر به معروف و نهی از منکر نام برد. به عبارتی دیگر، «مذهب شیعه در ایران، هیچ‌گاه قدرت مخالفت و اعتراض خود را که از ویژگی‌های ذاتی آن است، در برابر قدرت‌های مادی و دنیوی از دست نداد. سمبل‌های پایداری، تحمل رنج، فداکاری و خیزش در راه حقیقت و عدالت در آئین‌های نمایشی گوناگون از شیعه متجلی می‌شود و این مذهب دارای ظرفیت قابل توجهی برای ریختن کشمکش‌های سیاسی در قالب مذهبی است؛ منطبق مردمی و اصطلاحی چون «پیروزی مستضعفین بر مستکبرین» و نوید برقراری عدالت اجتماعی با ظهور مجدد امام غائب این مذهب را برای اعتراض و انقلاب بسیار مناسب نشان می‌دهد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۳۴۴). همچنین در کنار این عناصر، باید از نهادهای مذهبی همچون عاشورا، سوگواری تزیه و سنت یاد شهیدان در فرهنگ شیعه یاد نمود که بالقوه در تحریک و بسیج مردم و دمیدن روح مبارزه و انقلابی‌گری قدرت زیادی دارند.

در مجموع باید گفت که در جمهوری اسلامی، «همزمان» و «در زمان» هویت‌های متفاوت و متعددی وجود دارد که حول یک ارزش کانونی به نام دین اسلام با قرائت اسلام ناب محمدی تعیین می‌یابد. بنابراین حفاظت از هویت‌های متکثر بخشی از امنیت هستی‌شناختی به‌شمار می‌رود که تهدید آن می‌تواند واکنش‌های ایران را در پی داشته باشد.

تهدیدات نرم از منظر رهبران جمهوری اسلامی

از سیره عملی و نظری امام این‌گونه استنتاج می‌شود که ایشان قائل به وجود دو ساخت اصلی در درون جامعه اسلامی هستند. دوساختی که اگر به نحو مناسب با یکدیگر در ارتباط باشند، انتظام ملی ایجاد می‌گردد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۶۲). امام در سخنانی بیان می‌دارند که:

«ما جمهوری اسلامی لفظی نخواستیم؛ اینکه ما دائماً راجع به این معنا سفارش می‌کنیم که باید حالا که رژیم، رژیم اسلامی شده است محتوای اسلامی باشد، برای این است که یک مملکتی مدعی است من مسلم هستم، افرادش ادعا می‌کنند که ما مسلم هستیم لکن در بسیاری جاها دیده می‌شود که پایبند احکام اسلام نیستند. بسیاری از اشخاص ادعای اسلامی می‌کنند، همان ادعاست؛ دیگر در عمل وقتی که مشاهده بکنید می‌بینید که خبری از اسلام نیست. ما که می‌گوییم حکومت همان‌طور که اسلامی است، محتوایش هم اسلامی باشد، یعنی هر جا که شما بروید، در هر وزارتخانه که شما بروید، در هر اداره‌ای که شما بروید، در هر کوچه و برزن که شما بروید، در هر بازار که شما بروید، در هر مدرسه و دانشگاه که شما بروید، آنجا اسلام را می‌بینید؛ احکام اسلام را ببینید. این برای این است که ما حکومت اسلامی خواستیم.

ما جمهوری اسلامی لفظی نخواستیم. ما خواستیم که حکومت الله در مملکتان - و ان شاء الله در سایر مملکت هم - اجرا بشود» (موسوی خمینی، ج ۸: ۲۸۲).

بروز هرگونه نارسایی در این ساخت و یا تحول در رابطه آنها، به معنی ایجاد اخلال در انتظام ملی است و به ایجاد بی‌ثباتی و در نهایت به ناامنی منجر خواهد شد. این دو ساخت در نگاه مقام معظم رهبری چند ماه قبل از وقوع فتنه ۸۸ عبارت از ساخت حقیقی و حقوقی است که نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس آنها بقا و بدوام می‌یابد: «نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندان که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم می‌شکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

در نگاه رهبری، ساخت مرکزی همان ساخت حقیقی و ساخت‌های پیرامونی ساخت‌های حقوقی هستند که بیانگر ساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی می‌باشند: «آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزواء انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به‌عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله‌ی خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده‌ی مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های دشمن فراموش شود، اگر رودرپایستی‌ها، ضعف‌های شخصی، ضعف‌های شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخش‌های اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا؛ مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمی‌دهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب، به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشیم. این، اساس قضیه است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

تفسیر امام و مقام معظم رهبری از نظام سیاسی در اسلام و جمهوری اسلامی در مقام اجرا با دو گونه از تهدیدات روبرو است:

دسته نخست، تهدیداتی هستند که کارآمدی و تأثیرگذاری این نظام را هدف قرار داده‌اند و به نوعی سعی دارند توانمندی آن را مخدوش و زایل کنند. می‌توان اقدام دشمنان در ترور شخصیت‌های کلیدی و محوری نظام در دهه‌های ابتدایی انقلاب و اختلال در شبکه روابط سازنده بین ساخت‌ها و نهادها در راستای تأثیرگذاری بر کارآمدی نظام تفسیر نمود. حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، از این گونه تهدیدات، تحت عنوان شیطنت، شرارت، اقدامات غیرعقلانی تعبیر کرده‌اند که بیانگر ارزش کمتر آنها در قیاس با دسته دوم تهدیدات و حکایت از جنبه سخت تهدید است. «یکی از مسائلی که اینها به شدت دنبالش هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است... همه [حرف‌هایشان] در جهت همین تصویرسازی منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد مردم است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۲/۲۲).

دسته دوم، تهدیداتی هستند که اعتبار و هویت حقیقی نظام سیاسی را هدف قرار داده‌اند و در نتیجه آنها شاهد بی‌توجهی افراد به اصول و قواعد اصلی این نهادها، یا عدم التزام به قواعد ارتباطی حاکم بر آنها و در نهایت، ضعف ارتباط عقلانی- عاطفی مبتنی بر پذیرش و دوست داشتن آنها هستیم. در کلام امام و رهبری، از چنین تهدیداتی که تعبیر به آسیب، نقیصه، آفت، بلیه و ... می‌شود، می‌توان به «تهدید نرم» تعبیر نمود. تهدیدی که می‌توان در آنها تهدید را بیشتر معطوف به انسان دینی و تربیت دینی وی یافت. امری که تضعیف یا زوال آن، سبب مواجهه اصل و اساس سیاست اسلامی با مخاطره خواهد شد. «آنها [آمریکا] در آن دوره ده ساله اول با توطئه براندازی سخت- جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی- شروع کردند، اما نتوانستند کاری بکنند... در دوره بعد، براندازی نرم را دنبال کردند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۱) «در جنگ روانی، دشمن دنبال انهدام سنگرهای معنوی است» (خامنه‌ای، ۲: ۱۳۹۰).

با توجه به فلسفه تهدید نرم و ساخت حقیقی نظام سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، می‌توان انواع تهدیدات نرم را بر اساس چارچوب نظری ارائه شده به دو دسته تهدیدات نرم هنجاری و تهدیدات نرم کاربردی تقسیم نمود.

۱. تهدیدات نرم هنجاری از منظر رهبران جمهوری اسلامی؛

از آنجا که در جامعه اسلامی، ارزش‌های دینی به‌عنوان راهنما و دستورالعمل اصلی اندیشه و عمل سیاسی مطرح هستند، بروز هرگونه آسیب در این حوزه می‌تواند به فساد ساختار نظام حاکم منتهی شود. در این حالت اگرچه کالبد و صورت نظام سیاسی خوب به‌نظر می‌رسد، اما نظام از درون دچار فروپاشی می‌شود. مقام معظم رهبری در این باب می‌فرمایند: «این شبیخون فرهنگی است که انسان در بخش‌های مختلف علائم آن را می‌بیند، با این قصد است که انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کند و جدا کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۴۵).

این دسته از تهدیدات نرم متوجه ایده نظام سیاسی هستند که عبارتند از:

الف. تهدیدات نرم هنجاری ناظر به اسلام‌گرایی شیعی

۱. جهت‌گیری غیرتوحیدی

از آنجا که کل هستی تابعی از قدرت الله است، اولین حوزه‌ای که می‌تواند تهدید نرم تولید کند، از جنس ایمان و اعتقاد است؛ بدین معنا که اگر هر سیاست و اقدامی از رابطه مشخص «من‌اللهی» و «الی‌اللهی» خارج شود و در نهایت به استکبار و نفسانیت ختم شود، نوعی تهدید نرم برای نظام سیاسی اسلامی به‌شمار می‌آید. بدیهی است که بدلیل ابتلای نظام اسلامی و ارکان و اصول اسلامی، بروز هرگونه سستی و ضعف در ایمان مردم به این مبانی و اصول، می‌تواند به معنای فروپاشی از درون و تهدید نرم بسیار خطرناکی باشد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «امروز دین مسلمانان به وسیله تهاجم فرهنگی دشمن و ترویج فساد و ظلم و بی‌ایمانی و بی‌بندوباری در میان جوامع اسلامی... در خطر است... امروز استکبار جهانی، نیروی علمی و خیل رجال خود را بسیج کرده تا بلکه بتواند با تفکر و فرهنگ و ابزار دانش، تفکر اسلامی را متزلزل کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۸۷). به همین دلیل دشمن تلاش می‌کند با ایجاد یأس و ناامیدی به نوعی این کانون مهم قدرت نرم را در جمهوری اسلامی ایران غیرفعال نماید: «هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند ... و از مبارزه ناامید کند. آن آقایی که ... می‌نویسد «ملت ایران خسر الدنيا و الاخره شده‌اند» ... چرا؟ «چون با آمریکا جنگیدند» مقصودش ناامید سازی است...» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۹۲) نتیجه چنین تفکری شعار نه غزه و نه لبنان و تزلزل در اقداماتی است که روحیه شهادت‌طلبی نیازمند است.

۲. ضعف مبادی فرهنگی ولایت‌پذیری

«ولایت» در گفتمان اسلامی به‌مثابه عامل اجتماع و تجمیع توانایی‌ها شناسانده می‌شود. به همین سبب، بروز هرگونه آسیب یا ضعف در ولایت یا ولایت‌مداری، می‌تواند به تضعیف قدرت از درون منجر شود که خاستگاه بسیاری از تهدیدات نرم است: «شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، پاسداری از ارزش‌هاست که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسئله ولایت‌فقیه روشن کردند... ولایت‌فقیه جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹-ب: ۱۲۷-۱۲۶) «رابطه محبت‌آمیز رهبر و ملت، در میدان‌های مختلف گره‌گشا و بازکننده راه‌هاست. لذا بیشترین تبلیغات دشمن، علیه اصل مفهوم رهبری فقیه، «ولایت‌فقیه» و حاکمیت دین شناسان است... دشمن برای مبارزه با انقلاب، رهبری را هدف گرفته است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۷).

۳. عرفی‌گرایی و سکولاریسم

سکولاریسم با وجود قرائت‌های مختلفی که از آن وجود دارد، در ساحت معرفتی امام و رهبری، به معنای گرایش و اقبال ساخت پیرامونی بر استقلال از ساخت مرکزی است. این گرایش ممکن است با توجیهات مختلفی همراه شود: از جمله اینکه اصل تخصص‌گرایی که بر انفکاک موضوعی دین از سایر حوزه‌های متعارف مثل اقتصاد یا سیاست تأکید دارد؛ یا مقوله نظم سازمانی که بر تفکیک کارویژه ساخت ولایت از سایر ساخت‌ها نظر دارد؛ یا موضوع تغییر و تحول اجتماعی که از شکل‌گیری جوامع مدرنی حمایت می‌کند که نمی‌توانند نظارت عالی‌نهادهای دینی را در حوزه‌های خاص بپذیرند. نتیجه چنین تفکری، این خواهد بود که

ساخت مرکزی ولایت می‌تواند نقشی تشریفاتی و صوری در نسبت با ساخت پیرامونی داشته باشد. به عبارت دیگر، این نظریه‌ها به این نتیجه می‌رسند که ساخت مرکزی را می‌توان حفظ کرد و نگاه داشت، مشروط بر آنکه حیطه اختیاراتش محدود و در حکم مقام تشریفاتی‌ای باشد که از حضور مؤثر در نحوه تدبیر و اداره امور تخصصی ساخت پیرامونی دور است. در نگاه امام و رهبری چنین الگوی رفتاری، تحقق سکولاریسم است. «این یک نقشه شیطانی بوده است که از زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس طرح‌ریزی شده است و ... اخیراً هم که راه شرق و غرب دولت‌های اسلامی باشد، این امر در اوج خودش قرار گرفت که اسلام، یک مسئله شخصی بین بنده و خداست و سیاست از اسلام جداست» (موسوی خمینی، ج ۱۶: ۳۸۸). «ولایت‌فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً نصیحت کننده است - آن طور که بعضی از اول انقلاب این را می‌خواستند و ترویج می‌کردند [و] نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت [را] دارد؛ چون کشور مسؤولیت اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسؤولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخ‌گویی مسؤولیت‌های خود باشند... در این مجموعه پیچیده و درهم تنیده تلاش‌های گوناگون، نباید حرکت نظام انحراف از ارزش‌ها و هدف‌ها باشد! نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود! پاسداری و دیده بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت‌فقیه است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۱۴) «دشمن می‌خواهد با تبلیغات، روحانیت را از چشم مردم بیندازد... امروز بسیاری از همت و برنامه‌ریزی استکبار جهانی صرف این می‌شود که ببیند چگونه می‌تواند طلاب، فضلا و علما را از راه راست انقلاب منحرف کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۲).

۴. تصلب ایدئولوژی سیاسی

تلقی امام و رهبری از فقه به‌عنوان متولی تدبیر شئون حیات انسان از ابتدا تا انتها می‌باشد. لذا کارویژه فقه اسلامی بیش از یک ایدئولوژی ساده است و می‌توان از آن به موتور محرکه نظام سیاسی تعبیر کرد به تعبیر امام خمینی «فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است» (موسوی خمینی، ج ۲۱: ۲۸۹). بدیهی است که فقه در چنین جایگاهی، باید با مکانیزیم اجتهاد و دو عنصر زمان و مکان بتواند رسالت سیاسی و پویایی خویش را تداوم بخشد. در غیر این صورت، تصلب فقهی و آسیب‌پذیری اجتهاد می‌تواند زمینه انسداد سیاسی را فراهم کند و در نهایت نظام فکری از دریافت، تحلیل و اداره امور متحول جامعه باز می‌ماند. از نظر امام، ورشکستگی فکری ناشی از تجرر در قیاس با وادادگی فرهنگی، آسیب‌های به مراتب خطرناک‌تری به نظام سیاسی وارد می‌کند.

ب. تهديدات نرم هنجاری ناظر به ملی‌گرایی ایرانی

۱. ملی‌گرایی افراطی

ملی‌گرایی افراطی با اعتبار بخشی به معیارهای هویتی چون زبان، نژاد، تاریخ و ... موجب بروز گسست در میان امت اسلامی و فعال‌سازی اجزای آن برای جداسدن از این پیکره و تبدیل شدن به واحدهایی مستقل می‌شود. آسیب ناشی از ملی‌گرایی افراطی، بروز تعارض و شیوع جنگ است. این در حالی است که اسلام منادی وحدت امت واحده است و ملاحظات جغرافیایی را در حد «حب الوطن» تأیید می‌کند: «در اسلام آمده

است که همه نژادها باهم‌اند. مثل دندان‌های شانه می‌مانند. هیچ کدام نفوذ ندارند. نه عرب بر عجم و نه عجم بر عرب و نه ترک بر هیچ کدام از اینها و نه هیچ نژادی بر دیگری.... ما کراراً عرض کردیم.... که اسلام این طور مرزهایی که در سایر مسلک‌ها هست، ندارد» (موسوی خمینی، ج ۱۴: ۲۴).

ج. تهدیدات نرم هنجاری ناظر به استکبارستیزی و عدم وابستگی

۱. غرب‌زدگی/شرق‌زدگی

تمایل به ایدئولوژی‌های شرقی و غربی چه به جایگزینی ایدئولوژی رقیب به جای اسلام و چه بازخوانی اسلام در قالب ایدئولوژی‌های مزبور منجر شود، در هر حال تهدید نرم به‌شمار می‌آید که در نهایت هویت را هدف قرار داده و از این طریق به زوال نظام سیاسی از درون دامن می‌زند: «تا این غرب‌زدگی و شرق‌زدگی در مملکت ما هست، هیچ امیدی به اصلاح نیست. ما باید اول تمام همتمان را صرف کنیم که خودمان را از این وابستگی فکری بیرون بیاوریم.... چه فرهنگ آن طرف که همه‌اش فساد و چه فرهنگ این طرف که همه‌اش فساد است. یعنی همه‌اش برای به دام انداختن ماهاست. برای به دام انداختن بشر است» (موسوی خمینی، ج ۹: ۵۱۶) «دانشگاه وابسته به غرب، دانشگاه مبتنی بر اراده و فرهنگ دیگران، نمی‌تواند برای یک فرهنگ مفید باشد... دشمن در تلاش است دانشگاه را از صراط مستقیم علم و دین و روحیه انقلابی منصرف کند» (خامنه‌ای، ۲۱: ۱۳۹۰).

د. تهدیدات نرم هنجاری ناظر به انقلابی‌گرایی

۱. تحجر و مقدس‌مآبی

در کنار عرفی‌گرایی، می‌توان به گرایش خطرناکی موسوم بنام تحجر و مقدس‌مآبی اشاره کرد که تهدیدات نرم ناشی از آنها بسیار سنگین و مصیبت‌بار است و هیچ تهدید مشابه آن ارزیابی نشده است. دلیل این امر نیز به ظاهر و نوع مدعیات و استدلال‌های دینی این گروه باز می‌گردد که مخاطبان بیشتری در جوامع دینی دارند. در کتاب غررالحکم، که بخشی از حکمت‌ها و سخنان حضرت امام علی(ع) را در خود جای داده، چنین آمده است: «ما ق‌صم ظهري إلی رجلان عالم متهرتک و جاهل مت‌نسک هذا ین‌فر عن‌ حق‌ه بت‌هت‌که و هذا یدعو إلی ال‌باطل بت‌نس‌که» فقط دو شخص کمرم را شکستند؛ عالمی که از انجام گناه ابائی ندارد و نادانی که اهل عبادت باشد. آن عالم با ارتکاب گناهان، مردم را از دینداری فراری می‌دهد و این نادان، به خاطر جهلش، مردم را به سمت باطل می‌کشاند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۹۶).

مبنای این گروه آن است که اسلام آن قدر پاک و مقدس است که نباید در عرصه سیاست عملی ورود یابد و فقط با حضور حضرت حجت(عج) می‌توان در این حوزه حضور و اقدام داشت. حضرت امام در واکنش به تهدید چنین تفکر و متفکرانی بیان داشت: «آن ضرری که از این آخوندهای درباری اسلام می‌خورد، بدتر از آن ضرری است که از آمریکا می‌خورد؛ برای اینکه اینها با یک ظاهر اسلامی، اسلام را منزوی می‌کنند و آنها [آمریکا] با این ظاهر نمی‌توانند کاری بکنند» (موسوی خمینی، ج ۱۸: ۵۳) «امروز جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام ضربه می‌زنند» (موسوی خمینی، ج ۱۸: ۲۶۹)

۲. تهديدات نرم کاربردی از منظر رهبران جمهوری اسلامی

نظام سیاسی اسلامی، به دليل ابتناء بر جریان ولايت فقيه، سازوکاری مؤثر برای صيانت از سلامت نظام دارد. با وجود این، هم زمان به ابعاد و ملاحظات عملیاتی نظام نیز توجه شده است و «کارآمدی» در پاسخ‌گویی به نیازهای جاری نیز جزء عناصر سازنده فلسفه دولت اسلامی تعريف شده است. بر این اساس، شاخص اصلی تهديدات نرم حکومتی، «کارآمدی نظام» سیاسی است.

الف. تهديدات نرم کاربردی ناظر به اسلام‌گرایی شیعی

۱. زوال ویژگی‌های رهبر

مهم‌ترین تهديد کاربردی زوال ویژگی‌های رهبر است. نمونه بارز این تهديد را می‌توان در جانشینی امام و مسئله آقای منتظری ملاحظه کرد. امام علی‌رغم تأکید بر وجه علمی ایشان، معتقد بودند که وی از صلاحیت‌های ویژه رهبری نظام اسلامی برخوردار نیستند. لذاست که امام با قاطعیت تمام ایشان را عزل نمودند تا آینده نظام سیاسی را از مخاطرات جلوگیری به عمل آورند: «از آنجا که روشن شده است شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرال‌ها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید» (موسوی خمینی، ج ۲۱: ۳۳۰)

ب. تهديدات نرم کاربردی هنجاری ناظر به ملی‌گرایی ایرانی

۱. عدم رضایت مردم و بی‌عدالتی

عدم رضایت مردم و بی‌عدالتی از آن حیث که به فرسایش و نابودی روابط اجتماعی در داخل جامعه و از بین رفتن سرمایه اجتماعی منتهی می‌شود، تهديدی خطرناک برای انسجام اجتماعی به‌شمار می‌رود. مرجع این تهديد نرم، «پشتوانه مردمی قدرت» است و اینکه عدم رضایت و بی‌عدالتی قدرت‌ها را از نعمت حمایت مردمی محروم می‌کند. از این منظر، امام و رهبری با تأکید بر شعار راهبردی «لا تنظلمون و لا تنظلمون» از عدالت به‌مثابه اصل محوری و هدایت‌گر قدرت یاد می‌کنند. نظام سیاسی موظف به جلب رضایت مردم به‌عنوان ولی نعمتان اصلی است. به همین دلیل امام و رهبری، هر اقدامی را که رضایت‌مندی مردم را کاهش می‌دهد، نوعی آسیب برای کشور و نظام می‌دانند. این تهديدات نرم پشتوانه مردمی نظام را هدف قرار می‌دهند و از این حیث خطرساز ارزیابی می‌شود: «به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران برای چندمین بار سفارش می‌کنم و این نصیحت و سفارش من همیشگی است که ... در شرایط کنونی و آینده‌های دور... از بهانه‌جویی و سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی و کاغذبازی که مانع رشد... ملت دلاور اسلام است، خودداری ورزند» (موسوی خمینی، ج ۲۰: ۳۹). «یکی از مسائلی که اینها به شدت دنبالش هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است... همه [حرف‌هایشان] در جهت همین تصویرسازی منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد مردم است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۹۶).

ج. تهدیدات نرم کاربردی ناظر به استکبارستیزی و عدم وابستگی

۱. شکل‌گیری تفکر «وابستگی» و «خودکم‌بینی»

اگرچه مدیریت نیازهای ملی در جهان معاصر مبتنی بر تعامل و همکاری است، اما آنچه در این همکاری‌ها نباید نادیده انگاشته شود، اصل «استقلال» است؛ بدین معنا که همکاری‌ها و رابطه نباید به معنای هزینه‌کرد استقلال ملی و وابسته کردن کشور در عرصه‌های مختلف باشند. مبنای وابستگی آن است که می‌توان با هزینه‌کرد درآمدهای نفتی و بدون زحمت، دستاوردهای پیشرفته دیگر کشورها را به‌استخدام گرفت و با استفاده از تولیدات دیگر کشورها زندگی کرد. چنین تفکری اساساً نظام سیاسی را از درون متزلزل و در قبال کوچک‌ترین اعمال فشارهای خارجی، ناتوان می‌سازد. «من مطمئنم که ملت عزیز ایران، یک لحظه عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت، ولی وابسته به اجانب و بیگانگان، معاوضه نمی‌کند» (موسوی خمینی، ج ۲۱: ۲۰۱)

نکته در خور توجه آنکه، وابستگی در اندیشه امام و رهبری صرفاً دارای صبغه اقتصادی نبوده، افزون بر آن ساحت‌های معرفتی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی را شامل می‌شود. یکی از مصادیق این وابستگی غیر اقتصادی، خودکم‌بینی و عدم تحرک است که تولید ضعف نموده و زمینه تسلط و پیروزی دشمنان را فراهم می‌کند. «اینها در طول سال‌های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی، باید دنباله‌رو غرب باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۶) «اگر ملتی برای خودش تحرکی نداشت و ارزش و آینده‌ای برای خود قائل نبود، دشمنان می‌توانند بیایند و برایش نقشه بکشند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۵).

د. تهدیدات نرم کاربردی ناظر به انقلابی‌گرایی

۱. راحت‌طلبی و غفلت اجتماعی

قدرت در اندیشه سیاسی اسلام، از جنس «مسئولیت» است و نه «بهره‌مندی»؛ بنابراین صاحبان قدرت بیشتر «وظیفه» دارند تا «منافع». اگر این رابطه به هر دلیل مخدوش شود و قدرت به توانایی برای جلب منافع تبدیل شود، شاهد روی کارآمدن کسانی هستیم که در لسان امیرالمؤمنین منافع عمومی را به‌مثابه اموال بی‌صاحب حیف و میل می‌کنند. از این منظر، امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقام آسیب‌شناسی نظام سیاسی، تجمل‌گرایی، راحت‌طلبی و خروج از اصل ساده‌زیستی را نوعی تهدید نرم برای آینده انقلاب اسلامی می‌دانند که می‌تواند بدون خونریزی و جنگ به هلاکت منجر شود. چرا که راحت‌طلبی و تلاش برای جمع‌آوری ثروت، موجب غفلت از اقشاری می‌گردد که اولاً موجب بی‌اعتباری نظام سیاسی از ساحت دینی خواهد شد و ثانیاً خیل عظیم حامیان اصلی خویش را عمدتاً از اقشار محروم و به تعبیر امام از پابرهنگان‌اند در مواقع حساس و خطیر دلسرد کند. «خدا نیابرد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین... باشد آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم» (موسوی خمینی، ج ۱۷: ۳۷۶) «مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجملانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف‌آمیز

و تجمل‌آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود. این هم نقطه بعدی است که اهمیتش از اولی بیشتر است، یا لااقل کمتر نیست... این به فرهنگ تبدیل می‌شود؛ به این معنا که بقیه نگاه می‌کنند و یاد می‌گیرند...» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۹/۲۵) «یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف‌گونه‌یی داریم بین خودمان و خدا؛ که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی‌گری می‌دهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ هم‌ه‌اش حرام است؛ به‌خاطر اینکه تعلیم‌دهنده‌ی اشرافی‌گری است به: اولاً زیردست‌های خودمان، ثانیاً آحاد مردم به این کار تشویق می‌شوند. ما نباید مردم را به این کار تشویق کنیم. ممکن است در داخل جامعه کسانی پولدار باشند و ریخت و پاش کنند - البته این کار بدی است، ولی به خودشان مربوط است - اما ریخت و پاش ما اولاً از جیبمان نیست، از بیت‌المال است؛ ثانیاً ریخت و پاش ما مشوق ریخت و پاش دیگران است. واقعاً «الإناس علی دین ملوکهم». ملوک در این‌جا به معنی پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستید؛ (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۶/۸)

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه گذشت مشخص گردید که انقلاب اسلامی با تکیه بر ساخت حقیقی به‌ویژه ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت، عدالت‌باوری، حق‌گرایی و استقلال‌طلبی توانست ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی، به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی بپردازد و اقتدار نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصفه ظهور رساند. لذا چنین امر در عین ظرفیت بالقوه، تهدید بالقوه را نیز در بر دارد و دشمنان انقلاب چشم طمع از آن برنداشته و دائماً بدنبال ممانعت از بقا و نشر ارزش‌ها انقلاب اسلامی هستند. این امر می‌طلبد به جهت ارتقای بهتر توان بهره‌گیری از قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی اهتمام به اصلاح مدیریت فرهنگی در کشور نمود. این مدیریت باید دارای ویژگی‌هایی از قبیل طراحی برای پیشبرد سیاست‌های فرهنگی، اجرایی کردن سیاست‌های فرهنگی به صورت صریح و روشن، هماهنگی و سازگاری بین سیاست‌های فرهنگی در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز بین سطوح دولتی، غیردولتی یا شبه‌دولتی نهادهای اجتماعی و فرهنگی باشد. افزون بر این، مدیریت‌های فرهنگی باید از ویژگی‌های مطلوب در حوزه تمایلات و گرایش‌ها، اندیشه‌ها و آگاهی‌ها، رفتارها و کارکردها، بینش‌ها و نگرش‌ها برخوردار باشد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، *تهدید نرم: رویکردی اسلامی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات فناوری.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، *انتظام ملی*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، *کالبد شکافی تهدید*، تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
- امامی، اعظم (۱۳۹۱)، *تحلیلی بر دیدگاه‌های انقلاب نرم*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- بوت، جان. ای (تابستان و پائیز ۱۳۷۳)، *نظریه‌های مذهب و قیام: تجربه آمریکای مرکزی*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۲.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی).
www.khamenei.ir
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، محقق و مصحح سید مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم.
- جمالزاده، ناصر (۱۳۹۲)، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه اسلام)، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵)، *انقلابی متمایز جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران*، قم: موسسه بوستان کتاب.
- خامنه‌ای، سید علی (آیت الله) (۱۳۸۸)، *از تهاجم فرهنگی تا جنگ فرهنگی*، به اهتمام مجتبی احمدی و...، تهران: سازمان بسیج مستضعفین، معاونت فرهنگی اجتماعی.
- خامنه‌ای، سید علی (آیت الله) (۱۳۸۹-الف)، *دیپلماسی فرهنگی و جنگ نرم*، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (آیت الله) (۱۳۸۹-ب)، *امام از منظر امام*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، *روایت (کلام رهبر فرزانه انقلاب در موضوع آزاد اندیشی)*، تهران: دانشگاه امام صادق، بسیج دانشجویی دانشگاه.
- دهقانی فیروزآبادی، دکتر سید جلال و وهاب پور، پیمان (۱۳۹۲)، *امنیت هستی شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیت ملی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شجاعیان، محمد (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عنایت، حمید (۱۳۷۷)، *انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی*، ترجمه امیر اسعداللهی، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۷-۱۳۸.
- فوزی، یحیی (۱۳۷۹)، *امام خمینی و هویت ملی در ایران*، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۹، صص ۶۳-۸۵.
- لاریجانی، محمد جواد (۱۳۶۹)، *مقولاتی در استراتژی ملی*، چاپ اول، تابستان، مرکز ترجمه و نشر کتاب.

- موسوی خمینی، سید روح الله (امام) (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، جلد ۱-۲۱، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (۵).
- هالستی، کی. جی (۱۳۷۳)، *مبانی تحلیل سیاست بین الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- هرسیچ، حسین و تویسرکانی مجتبی (۱۳۸۹)، تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۹، فصل بهار.